



پروژیکٹ: گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژیکٹ: گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

طاغوت به معنی شیطان، بت، خدای دروغین، گمراه‌کننده، گردنکش، ظالم، پیشوایان ضلالت، تعدی‌کننده از حدود الهی و حکومت‌کننده به غیر اذن الهی است. طاغوت‌ها در طول تاریخ، همواره مقابل جریان حق و مانع دعوت پیامبران و اولیای الهی بوده‌اند؛ از این رو، طاغوت‌شناسی و مطالعه رفتار آنها، غفلت‌زدا، آگاهی‌بخش و بصیرت‌افزاست. با شناخت رفتار طاغوتیان می‌توان راه‌های مناسب مقابله با آنها را در پیش گرفت. جهل و ناآگاهی مهم‌ترین مانع در بیداری و حق‌گرایی است.

تحقیق حاضر با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و پردازش آنها به روش توصیفی و تحلیلی، درصدد پاسخ به این سؤال است که طاغوتیان عصر حضرت موسی (ع) کدام‌اند و ویژگی‌های آنها چه بودند؟ در این تحقیق سعی می‌شود سؤال کاربردی بالا به صورتی دقیق از بین آیات، روایات، منابع تاریخی و کتب چاپ‌شده مورد تتبع واقع شود. پاسخ مسئله بالا در کتاب و اثر مستقلی موجود نیست و لازم است هر یک از جوانب آن از منابع و کتب متعدد تجمیع و تدوین گردد. مسئله، جامع و کاربردی است و از این نظر حائز اهمیت است که در طول تاریخ، راه الهی و شیطانی، راه حسینی و یزیدی و راه اسلام و کفر و راه نور و ظلمت ادامه دارد، و برای نجات از زیر چکمه ظالمان و خونخواران باید به ریسمان الهی، قرآن و سنت تمسک جست تا پیروز و سربلند بود. با این نقشه راه باید تلاش شود در مقابل طاغوت ایستادگی کرد تا حاکمیت استبداد و دیکتاتوری‌های حاکم رو به اضمحلال و نابودی روند و این امر جز با بیداری و آگاهی محقق نمی‌شود؛ فلسطین مظلوم و مقتدر و دیگر کشورهای آزادی‌خواه جهان با تمسک به معارف قرآن و روایات متعدد و سیره و روش معصومان، در مقابل طاغوت پایمردی نموده و به سوی عزت و پیروزی گام برمی‌دارند.

معانی و مصادیق طاغوت

«طاغوت»، صیغه مبالغه از طَغَى (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۵: ۹). در اصل مصدر و طَغُیوت است که در آن جابه‌جایی حروف صورت گرفته و به طَیغوت و سپس بعد اعلال به طاغوت تبدیل شده است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۷۶) برخی تائید آن را زاید دانسته و آن را مشتق از (طَغَا) دانسته‌اند. (فیومی، ج ۲، ۱۴۱۴ ه.ق: ۳۷۳) گرچه اصل طاغوت مصدر است، ولی به جای فاعل یعنی طاغی به کار می‌رود (قرشی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۲۲۴). طاغوت به قولی اسم مصدر از «طغی» و به معنی هر سرکش و متعدی و از حد گذرنده و هر سردار ضلالت و هر چه جز خدا پرستیده شود است (زبیدی، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۹: ۶۳۶). کلمه «طاغوت» هشت بار در قرآن کریم به کار رفته است. (بقره، ۲۵۶، ۲۵۷، نساء ۷۶، ۵۱، مائده، ۶۰، نحل، ۳۶، زمر، ۱۷) و در مذکر، مونث، مفرد و جمع یکسان بوده و تغییر نمی‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵: ۹) و نیز طاغوت را از ریشه مشترک سامی «طعی/طغی» دانستند که به معنای خطا کردن و گمراه شدن است. طاغوت هم‌راستا با معنای این واژه در دیگر زبان‌های سامی، از نظر لغوی به معنای گمراه‌کننده و فریب‌دهنده است. (مهدوی‌راد، حسین شجاعی، ۱۴۰۲: ۱۵) جبت و طاغوت هر دو اسم عام هستند و بر همهٔ بتان و به هر چیز که آدمی را از نیکی باز دارد و به ضلالت و گمراهی بکشاند، گفته می‌شود. (خزائلی، ۱۳۸۶: ۴۲۱)، هر متجاوز از حد در عصیان، (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه.ق، ج ۱۵: ۸) و گمراه‌کننده است. به ستمگر، ظالم، گردنکش و غاصب، طاغی گویند. (آذرنوش، ۱۳۸۲: ۳۹۸) طاغوت، خروج از حد اعتدال و نظم را گویند، چه مادی باشد چه معنوی (مصطفوی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۷: ۸۲).

افرادی مثل کاهنان، طاغوت هستند، چون رهبر و سرکردهٔ ضلالت و امام نار و گمراهی هستند. طاغوت را از «طَغِی»، تجاوز از حد، غلو در کفر، اسراف در ظلم و

گناه معنی کرده و طاغوت را لات و عزی، کاهن، شیطان و سرکرده ضلالت، بت‌ها و کعب بن‌اشرف شمردند (فیروزآبادی، بی‌تا: ۱۳۰۷).

مصادیق طاغوت: با توجه به معنای اصلی طاغوت، می‌توان گفت که برخی از معانی یاد شده، حاکی از مصداق طاغوت هستند مانند:

≠ اطلاق طاغوت به خدایان دروغین (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۲۲۴)

≠ مردمان متجاوز و طاغی (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱: ۲۷۵)

≠ شیطان (فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۷۴-۳۷۳؛ ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷ ش، ج ۳:

۱۲۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵: ۹؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱: ۲۷۶)

≠ بت (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱: ۲۷۶)

≠ هر متجاوز و سخت ستم‌پیشه و هر معبودی غیر از خدا، (طریحی، ۱۳۷۵ ش،

ج ۱: ۲۷۶)

افسونگری، جادوگر و هر دیو سرکش و بازدارنده و منحرف‌کننده دیگران از

راه خیر (اصفهانی، ۱۴۱۲ ه.ق: ۵۲۱)

کافر (طریحی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱: ۲۷۶)

≠ کاهن، (زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۹: ۶۳۵)

سلطان ظالم، عالم متظاهر به دنیا و غنی غوطه‌ور در ثروت که به امور شیطانی

دعوت می‌کند و کسی که از سلوک به طریق حق بازداشته و از سیر به سوی

خدا منع می‌کند، از مصادیق طاغوت است که به تمایلات نفسانی دعوت کرده

و از صراط مستقیم بازمی‌دارد. (مصطفوی، ۱۴۰۲ ه.ق، ج ۷: ۸۵).

≠ برخی روایات همه گناهکاران را طاغوت نامیدند. در روایتی طولانی از امام

صادق(ع) نقل شده و در منابع روایی مختلف تکرار شده که عیسی(ع) با

یارانش از آبادی عبور کردند که همه ساکنانش در اثر غضب الهی مرده بودند، چون اگر متفرق مرده بودند، همدیگر را به خاک می سپردند. به اذن الهی، عیسی (ع) از اهل قریه پرسید: چه کردید که به این وضع گرفتار شدید؟ (کلینی، الکافی، ج ۲: ۳۱۹) گفتند: ما طاغوت را عبادت می کردیم... ما از اهل معصیت اطاعت می کردیم و از آنها پیروی می نمودیم (ابن حیون، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۵۳۰).

کاربردهای قرآنی طاغوت در برخی تفاسیر

واژه طاغوت هشت بار و در پنج سوره قرآن ذکر شده است؛ در سوره بقره آیات ۲۵۷-۲۵۶ کلمه «طاغوت» طغیان و تجاوز از حد و تا حدی مبالغه در طغیان را می رساند، اقسام معبودهای غیر خدا، جن ها، شیاطین، امثال بت ها، حاکمان و پیشوایان گمراهی از فرزندان آدم، و هر چه خدای تعالی راضی به تبعیت از آنها نیست، وسیله طغیان هستند. سعادت حقیقی در ایمان به خدا و کفر ورزیدن به طاغوت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۴۴) و در سوره نساء آیه ۵۱ برخی گفته اند که طاغوت در اینجا به معنای هر معبودی است که جز خدا پرستیده شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۳۷۴-۳۷۵) و در سوره نسا آیات ۶۰، هر معبودی جز خدا و گاهی بت ها مصداق طاغوت خوانده شدند. از امام باقر و صادق علیهما السلام نقل شده که حکام حکومت کننده به غیر خدا طاغوت اند. (سیدکریمی حسینی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱: ۸۸ ذیل سوره نسا آیه ۶۰). رجوع به طاغوت هنگام نزاع نشانه ایمان نداشتن است. طاغوت، انسان ستمگر و سرکش از وظایف بندگی خداست، مراد از طاغوت در اینجا باطل گراست. (مغنیه، ۱۳۷۸ ش، ج ۲: ۵۷۵-۵۷۴) و در سوره نساء آیه ۷۶ خصوصیات مؤمنان و کفار را

بیان نموده که مؤمنان به خدا تکیه می‌کنند ولی کفار به طاغوت متکی‌اند و مؤمنین به سوی قتال با کفار که در راه طاغوت قرار دارند و از ولایت الهی خارج شدند و ولی آنها شرک، پرستش غیر خدا و شیطان است و کید او ضعیف است. آیه، مؤمنین را به بیان ضعف روش کفار و بر قتال کفار تشویق می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۴۲۱-۴۲۰). در سوره مائده آیه ۶۰ نیز بیان شده که کسانی که طاغوت را پرستیده‌اند، جایگاهی بدتر دارند. منظور از پرستش طاغوت، گوساله‌پرستی است یا پیشوایان آنان که معبودان باطل برای آنان بودند (کاشانی، ۱۳۶۳ ه.ش، ج ۲: ۴) و نیز در سوره نحل آیه ۳۶ کلمه «طاغوت» به معنای تجاوز از حد بدون حق آمده است، راغب گفته: طاغوت هر متعدی و هر معبودی غیر از خداست، حقیقت بعثت رسول، دعوت بندگان خدا به عبادت خدا و دوری از طاغوت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲: ۲۴۲) و در سوره زمر آیه ۱۷، علامه از راغب نقل کردند که «طاغوت»، هر متجاوز و هر معبودی به غیر خداست و بت‌ها و هر معبود طاغی دیگری است که به جای خدا پرستیده شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۲۵۰-۲۴۹). در ادامه، به معرفی اجمالی حضرت موسی و طاغوت عصرشان می‌پردازیم.

حضرت موسی(ع) و طاغوت عصر ایشان

موسی بن عمران، از بزرگ‌ترین پیامبران اولوالعزم و فرزند عمران بن غهاث بن لاوی بن یعقوب بن اسحق بن ابراهیم خلیل، (بروجردی، ۱۳۶۶ ه.ش، ج ۲: ۴۳۸-۴۳۹) بود. وی هادی بنی اسرائیل و منجی ملت یهود از فرعون و ظلم وی بود (خزائلی، ۱۴۱۶). نام موسی(ع) ۱۳۶ بار در قرآن آمده است. عمر موسی(ع) را ۱۲۶ سال ذکر کردند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲: ۵۲۳). از بارزترین طاغوتان عصر ایشان، برخی بنی اسرائیل، فرعون، هامان، قارون و سامری بودند که به اختصار به شرح زیرند:

اول: برخی بنی اسرائیل

در قرآن، ۴۱ بار از قوم بنی اسرائیل نام برده شده است (روحی، ۵۵). اسرائیل نام دیگر یعقوب پیامبر است و به نقلی لقب یعقوب (ع) است. به نظر می‌رسد لقب درست باشد. چون اثبات دو اسم برای یک نفر محتاج معونه است (قرشی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۸۳-۸۲). بعد از ابراهیم (ع)، فرزندش اسحاق (ع) و پس از او فرزند اسحاق به نام یعقوب (ع) به نبوت رسید. بنی اسرائیل به معنای فرزندان یعقوب است. یعقوب دوازده پسر داشت که در بین آنها یوسف (ع) از همان کودکی از دیگران برجسته‌تر بود. برادران بر وی حسادت ورزیده و نقشه قتلش را کشیدند، اما با دخالت یکی از برادران، نقشه کشتن، به انداختن در چاه و تبعید اجباری او از فلسطین تبدیل شد (همایون، ۱۳۹۱: ۲۰۲-۲۰۳). یوسف (ع) به مصر وارد شد و به مقام عزیزی مصر رسید و در نظام حکومتی آن روز جایگاهی به عنوان شخص دوم مملکت داشت. با توبه برادران، قوم بنی اسرائیل به دعوت یوسف (ع) و به دنبال وی از فلسطین مهاجرت کرده و در مصر ساکن شدند (همایون، ۱۳۹۱: ۲۰۳). یوسف (ع) هنگام مرگ، به برادران و بستگانش خبر می‌دهد که پس از وی گرفتار ستم فرعون شده و به ذلت کشیده می‌شوند تا آنکه منجی‌ای از فرزندان لاوی ظهور کرده و آنان را از ستم فرعون می‌رهاند (همایون، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

با سلطه فراعنه بر قوم بنی اسرائیل، داستان سختی‌ها و دوران آزمایش آغاز شد. چون تعداد بنی اسرائیل زیاد شده بود، بیم آن می‌رفت که با قبایل رانده‌شده همکاری کنند. البته شاید این امر بهانه بود؛ رفتار با بنی اسرائیل خوب بود و بین آن قوم و مصریان تمایزی قائل نبودند، تا اینکه رامسس دوم حاکم شد و بناهای باشکوه ساخت و بنی اسرائیل را به کارهای بسیار سخت با مزد خیلی ناچیز وادار نمود و دستور داد بچه‌های پسر آنان را بکشند (همایون، ۱۳۹۱: ۲۰۹).

خدا توسط موسی(ع) آنها را از شر فرعون و اعمال ناشایست او نجات داد (فعال عراقی، ۱۳۸۶: ۲۰). کفر به آیات الهی، کشتن پیامبران به ناحق، درخواست غذاهای متنوع مثل سبزی، خیار، سیر، عدس، پیاز و درخواست معبود جسمانی از دیگر خصایص آنها بود (بقره، ۶۱) و برگشت به بت‌پرستی و درخواست معبود جسمانی در قرآن ذکر شده است؛ در سورة اعراف آیه ۱۳۸ فرموده که بنی‌اسرائیل بعد از عبور از دریا، مردم بت‌پرستی دیدند و از حضرت موسی معبودانی قابل رؤیت خواستند و موسی گفت: مردم نادانی هستید. جهل، عدم بصیرت، آگاهی و بیداری عامل انحراف آنان بود. یهود بیش از هر قومی پیامبران‌شان را نافرمانی کردند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۲۸۰). در قرآن از یهود، با عناوینی چون «بنی‌اسرائیل»، «یهود»، «الذین هادوا» و «اهل الکتاب» و ... یاد شده است (خزائلی، ۱۳۸۶: ۶۹۱) و هر بار به سرگذشت آنها، برخوردشان با پیامبران‌شان و پیامبر خاتم، ویژگی‌های ایمانی و اخلاقی‌شان اشاره شده است. برخی یهود از طاغوتان زمان محمد(ص) بودند و از حدود الهی تجاوز نمودند. یهود نام قومی است که ابتدای آن از دوازده فرزند حضرت یعقوب است. مفرد آن یهودی است. وقتی کسی را به یهود نسبت دهند، یهودی گویند (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷: ۲۸۰) برخی خصوصیات آنها که دلیل بر تعدی از حدود الهی است عبارت‌اند از: یهود شنونده دروغ‌های عالمان خویشان و عالمان‌شان با گرفتن رشوه، خورنده مال حرام‌اند (مائده، ۴۲).

پیمان‌شکنی مهم‌ترین خصیصه یهود است. در سورة انفال، ۵۵-۵۶ آمده که بارها پیامبر با یهودیان مدینه پیمان می‌بست ولی پیمان خود را می‌شکستند؛ در سورة بقره، ۸۳ نیز ذکر شده که از بنی اسرائیل پیمان گرفته شد که جز خدا را نپرستند و به پدر و مادر، خویشان، یتیمان و درماندگان نیکی کنند و با مردم به نیکی معاشرت کنند و نماز را برپا دارند و زکات بدهند، ولی جز اندکی از آنان، روی برتافتید.

بنی اسرائیل از موسی (ع) سؤال و خواسته‌های نامعقول داشتند. مثل فرود آوردن کتابی از آسمان برای آنان به صورت یکجا (نسا، ۱۵۳)؛ درخواست رؤیت خدا با چشمان خود (نسا، ۱۵۳؛ بقره، ۵۵).

یهودیان بهانه‌جو بودند؛ ایشان گفتند: «چون جبرئیل حامل وحی است و ما با او مخالف‌ایم، ای پیامبر به تو ایمان نمی‌آوریم و اگر میکائیل فرشته وحی بود ایمان می‌آوردیم (بقره، ۹۷).

تحریف کتاب آسمانی؛ وای بر کسانی که به دست خود کتاب می‌نگارند و سپس می‌گویند این از نزد خداست (بقره، ۷۹) تا با این کار اهداف دین محقق نشود و به گمراهی افراد بینجامد. تحریف دین دستاویز بسیاری طاغوتان است تا از جهل کج‌فهمان و ظاهرگرایان برای پیشبرد اهداف خویش استفاده کنند.

انکار وحی؛ در سورة انعام آیه ۹۱ به انکار وحی یهودیان اشاره شده است. ایمان به جبت (جبت: معبود باطل، بت؛ حریری، ۱۳۸۴: ۱۱۱) و طاغوت (نسا، ۵۱) از دیگر ویژگی‌های یهود است.

شدیدترین گروه در مخالفت با محمد(ص)، اهل کتاب، مخصوصاً یهودیان بودند؛ چنانکه در سورة مائده، آیه ۸۲ ذکر شده، سرسخت‌ترین مردم در دشمنی با ایمان آوردندگان، یهودیان و مشرکان‌اند. یهود نافرمان‌ترین افراد بر پیامبران خود بوده و برای یهود، پیامبران و معجزات زیادی بوده است (قرشی، ۱۴۱۲، ق، ج ۷: ۲۸۰) در عصر کنونی نیز کودک‌کشی و نسل‌کشی و تعدی به حقوق مظلومان ادامه دارد. موارد ذکر شده از خصوصیات یهود حاکی از طغیان و تعدی آنان از حدود الهی است و مشخصه طاغوتان است. چون تاریخ در حال تکرار است و جبهه کفر و ظلم همواره وجود دارد، لازم است ویژگی‌های طاغوت در اعصار مختلف را شناخت تا بتوان به درستی با آنها مقابله نمود. از دیگر طاغوتان زمان موسی (ع)، فرعون بود.

دوم: فرعون

فرعون لقب پادشاهان مصر است. این لفظ ۷۴ بار در قرآن و در داستان‌های بنی‌اسرائیل و موسی(ع) آمده است. فرعون دشمن خدا و موسی(ع) بود (طه، ۳۹). دشمن خدا، پیامبران، جبرئیل و میکائیل، کافرند و خدا نیز با کافران دشمن است (بقره، ۹۸) (خیراللهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲). فرعون و اطرافیانش در برابر موسی و آیاتش استکبار ورزیده و قوم مجرم بودند (یونس، ۷۵)؛ خدا در سورة مؤمنون آیه ۴۶ می‌فرماید: «موسی و هارون را به سوی فرعون و مهتران گردنکش قومش فرستادیم، ولی رسالت‌شان را انکار کردند و مردمی سلطه‌گر بر دیگران بودند»، و در سورة نمل آیه ۱۲ فرعون و قومش فاسق و از مرز فطرت خارج‌شونده خوانده شدند و طبق آیه ۸۳ سورة یونس فرعون برتری‌جو و اسرافکار بود و در ستمکاری حدّ و مرزی نمی‌شناخت و در سورة دخان آیه ۳۱ نیز فرعون را متکبر و از تجاوزکاران شمرده است. او بنا به بیان آیه ۷۹ سورة طه، قومش را به بیراهه برد.

در مصر دو گروه بودند: بنی‌اسرائیل که فرزندزاده‌های یعقوب بودند و مصریان که قبطی نامیده می‌شدند. بنی‌اسرائیل کمتر و قبطیان و مردمان مصر بیشتر بودند. فرعون‌ی که قابوس نام داشت قوم را به بت‌پرستی می‌خواند و از پیروی از دین یوسف(ع) بازمی‌داشت. همه مصر و قبطیان برگشته و بت پرستیدند اما بنی‌اسرائیل و فرزندان یوسف و برادرانش نپذیرفتند و در دین یوسف ماندند.

قابوس بنی‌اسرائیل را خوار کرد و کارهای سخت بر آنها تحمیل می‌کرد. بعد از مرگ قابوس، برادرش به نام ولید بن مصعب پادشاه مصر شد. او فرعون موسی بود و از همة پادشاهان مصر و فرعونان بدتر، ستمکارتر و بر بنی‌اسرائیل سخت‌تر و دشمن‌تر بود. در ابتدا دین برادر داشت و بت می‌پرستید و مردم را به آن دعوت می‌کرد، ولی بعد

از بیست سال گفت: «من خدا هستم و مرا بپرستید». قبطیان پذیرفتند اما بنی اسرائیل قبول نکردند (طبری، ۱۳۸۰: ۲۶۶-۲۶۵).

طاغوت سیاسی زمان موسی، فرعون و طاغوت اقتصادی، قارون و طاغوت فکری و فرهنگی، هامان بود (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰ ش، ج ۳: ۲۴). فرعون، هامان و قارون در زمین تکبر ورزیدند و حق را نپذیرفتند (عنکیوت، ۳۹). استکبار از رفتار طاغوتان و اظهار بزرگی و تکبر کردن است، با آنکه اهلش نباشی (قرشی، قاموس قرآن، ج ۶: ۷۴) و خدا برای مبارزه با طاغوت عصر موسی (ع) به وی می‌فرماید: «به سوی فرعون برو که طغیان و سرکشی کرده و بندگی خدا را وانهاده است» (طه، ۲۴؛ نازعات، ۱۷؛ طه، ۴۳). طغی به معنی نافرمانی، عصیان، تکبر و کفر ورزیدن است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ه.ق، ج ۳: ۳۶؛ دینوری، ۱۴۲۴ ه.ق، ج ۲: ۵)؛ طغی، یعنی تجاوز از حد و اندازه در نافرمانی الهی (واحدی، ۱۴۱۵ ه.ق، ج ۲: ۶۹۳)؛ طغی یعنی تجبر و تکبر در کفرش (طبرسی، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۷: ۱۵) و فرعون به عنوان طاغوت عصر موسی (ع) ادعای الوهیت کرد و در کفر خود تجبر نمود (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ه.ش، ج ۸: ۲۶۰، تجبر: تکبر و خود را بزرگ شمردن، گردنکشی کردن) و بنی اسرائیل را تعذیب نموده، پسران آنها را می‌کشتند تا نسل آنان را از بین ببرند، و زنان‌شان را برای کنیزی و خدمتگذاری زنده می‌گذاشتند (بقره، ۴۹؛ اعراف، ۱۲۷؛ اعراف، ۱۴۱؛ ابراهیم، ۶). در این جریان بیش از بیست هزار نوزاد کشته شدند (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲: ۹۳۶). نسل‌کشی طاغوت حاضر مثل اسرائیل و اعوان و انصارش حاکی از این است که ظلم و جور از بدو تاریخ بوده و ادامه خواهد داشت.

موسی در خانه فرعون پرورش یافت. او معجزات موسی (ع) را دانسته تکذیب کرد و از دستور خدا سرپیچی نمود. فرعون و اطرافیانش به آیات الهی کفر ورزید

(انفال، ۵۲) و آیات خدا را دروغ شمردند (انفال، ۵۴) و چون موسی(ع) با قوم خود از مصر بیرون رفت، فرعون با لشکریانش آنها را تعقیب کرد و با لشکریانش در شکافی که با معجزه در دریا به وجود آمده بود وارد شد و همگی غرق شدند. هنگام غرق شدن اظهار ایمان کرد، ولی پذیرفته نشد. به او گفته شد: «اینک به خدا ایمان آوردی، در حالی که پیش‌تر او را نافرمانی کردی و از فسادگران بودی» (یونس، ۹۱-۹۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۱۱۸). جسدش را از آب گرفتند تا برای آیندگان عبرتی باشد. برخی باورها و ویژگی‌های فرعون عبارت‌اند از:

۱- انکار الوهیت خدا: فرعون گفت: «خدایی جز خودم برای شما سراغ ندارم (قصص، ۳۸) و مخالفان الوهیت خود را به زندان تهدید کرد (شعرا، ۲۹).

۲- استکبار و انکار قیامت: فرعون منکر روز قیامت بود و می‌پنداشت به سوی خدا بازگردانده نمی‌شود. (قصص، ۳۹)

۳- قدرت و ثروت، معیار ارزشی فرعون: فرعون شأن و عظمت را در ثروت و دستبندهای طلا می‌دانست؛ او موسی را از خانواده طبقة پست دانسته و می‌گفت: «چرا دستبندهای طلا به او داده نشده تا از بزرگی و سروری نشانی داشته باشد؟» (زخرف، ۵۲-۵۳).

۴- تکذیب انبیا: فرعون پیامبران را تکذیب کرد (ص ۱۴-۱۲).

۵- حق‌ناپذیری: موسی(ع) با دلایلی روشن به سوی فرعون فرستاده شد. ولی فرعون او را جادوگر و دیوانه خواند. خدا او و سپاهیان‌ش را به دریا افکند؛ چون در اثر کفر و سرکشی درخور سرزنش بود (ذاریات، ۴۰-۳۸).

۶- عهدشکنی: موسی(ع) با دلایلی روشن به سوی فرعون و مهتران قومش فرستاده شد. اما آیات و معجزات الهی را به مسخره گرفتند، به عذاب گرفتار شدند تا از سرکشی دست بردارند و رسالت موسی را بپذیرند اما به موسی گفتند: «از

پروردگارت بخواه این عذاب را از ما بردارد، قطعاً رهنمودت را خواهیم پذیرفت». اما وقتی عذاب از آنان برداشته شد، عهدشکنی کردند (زخرف، ۵۰-۴۶).

۷- گردنکشی فرعون و مهتران قوم او و نپذیرفتن رسالت موسی(ع): موسی و هارون را با معجزاتی به سوی فرعون و مهتران قومش فرستادیم ولی گردنکشی کردند و رسالت آنها را قبول نکردند (مؤمنون، ۴۷-۴۵).

همة باورها و اعمال فرعون حاکی از تجاوز از حدود الهی و طغیان وی است. انسانی که خود را بی نیاز ببیند، طغیان می کند (علق، ۷-۶). فرعون مردم را از تسلط موسی و دین او بر ملت می ترساند (طه، ۶۳). این حربه باعث شد جز افراد اندکی از قوم یهود به موسی(ع) ایمان نیاورند؛ بعد از بعثت موسی، جز اندکی از قوم موسی به او ایمان نیاوردند. آنها از شکنجه فرعون می ترسیدند، چون فرعون بسیار ستمگر بود (یونس، ۸۳) فرعون با عوام فریبی، القای ترس، القای برتری، تحقیر و تخریب شخصیت توانست اذهان قومش را تسخیر نموده و از پیروی موسی(ع) دور کند. او در روز قیامت پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش درمی آورد (هود، ۹۸). طاغوت دیگر عصر حضرت موسی، قارون بود.

سوم: قارون

قارون، پسرخاله یا پسرعمو یا عموی موسی(ع) بود. با گروهی از سران بنی اسرائیل و ۲۵۰ نفر بر موسی و هارون شورید تا رهبری بنی اسرائیل را از ایشان بگیرد. او بسیار ثروتمند بود و به ثروت خود می نازید. گفته می شود او علم کیمیا (شیمی) داشت. با طلا و زیورآلات خود در میان مردم ظاهر می شد و بر ایشان فخر می فروخت (معرفت، ۱۳۸۵: ۱۰۱-۹۹) او سلطه جو بود (قصص، ۷۶: «... قَارُونُ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى...» قارون از قوم موسی و از طایفه بنی اسرائیل بود که به ناحق سلطه جویی می کرد

...». «بغی» از اقسام گناه و سرکشی از فرمان کسی است که اطاعتش واجب است مثل خدا و پیغمبر (حریری، ۱۳۸۴: ۸۲).

قارون مظهر طاغوت اقتصادی و از بنی‌اسرائیل بود؛ راه تعدی و تکبر پیش گرفت. ثروت زیاد خویش را مایه فساد قرار داد و آن را در اثر لیاقت خود می‌دانست و به رخ مردم می‌کشید. هر کس صاحب دنیا را گرامی و بزرگ دارد و به دلیل طمع دنیایی‌اش او را دوست داشته باشد، مورد غضب الهی واقع شده و با قارون در آتش دوزخ معذب خواهد بود (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷: ۱۸۱). داستان قارون در قرآن ذکر شده است؛ او ثروتش را در اثر علمش می‌دانست و طغیان کرد. وی از بنی‌اسرائیل و قوم موسی بود که به ناحق سلطه‌جویی و ظلم می‌کرد و خدا آنقدر گنج به او داد که حمل کلیدهای‌شان حتی برای گروهی قوی، مشکل بود؛ مردم قومش گفتند: «به این اموال مغرور نشو و با این ثروت خدادادی آخرت را کسب کن و در زمین فساد نکن». قارون گفت: «ثروتم در قبال دانشی است که خود دارم. من راه‌های کسب ثروت را خوب می‌دانم؛ به خاطر طغیان‌ش، خدا او و خانه‌اش را در زمین فروبرد (قصص، ۸۲-۷۶).

او در بدکاری در ردیف فرعون و هامان بود؛ چنانکه در سورة عنکبوت آیه ۳۹ آمده که قارون و فرعون و هامان را یاد کن. موسی معجزات و دلایل روشنی را برای آنان آورد، ولی آنان به دلیل اینکه در زمین تکبر ورزیدند، حق را نپذیرفتند. قارون نزد فرعون مقام عالی داشت و حضرت موسی(ع) را ساحر خواند (غافر، ۲۴) و با خانه و همه گنج‌هایش در زمین فرو رفت. قارون با تبانی زنی حضرت موسی(ع) را به مراوده با وی متهم ساخت، اما زن به پاکی و عصمت آن حضرت اقرار کرد (حریری، ۱۳۸۴: ۲۸۸). طاغوت دیگر عصر حضرت موسی بلعم باعورا بود.

چهارم: بلعم بن باعورا

بلعم بن باعورا با اسم اعظم دعا کرده و دعایش قبول می‌شد. او از درباریان فرعون شد، فرعون گفت: «از خدا بخواه موسی و یارانش را که دنبال‌شان هستیم، ببایم». بلعم سوار الاغش شد تا به جست‌وجوی موسی رود. الاغش از رفتن امتناع کرد و به اذن الهی گفت: «می‌خواهی پیغمبر خدا و مردم با ایمان را نفرین کنی؟» بلعم آن قدر الاغ را زد تا مرد، و اسم اعظم از زبان وی برداشته شد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۳۳۳-۳۳۲؛ رک: محقق، ۱۳۸۴: ۳۵۹). در سورة اعراف آیات ۱۷۶-۱۷۵ به این داستان اشاره شده است. طاغوت دیگر عصر حضرت موسی، هامان بود.

پنجم: هامان

طاغوت دیگر عصر حضرت موسی، هامان، وزیر فرعون بود؛ نام وی شش بار در قرآن در سورة قصص آیات ۶ و ۸ و ۳۸ و سورة عنکبوت آیه ۳۹، سورة غافر، آیات ۲۴ و ۳۶ آمده است که چهار بار پس از نام فرعون ذکر شده و به تبهکاری و غرق او تصریح شده است (حریری، ۱۳۸۴: ۳۸۴)؛ در سورة قصص آیه ۸ خدای تعالی می‌فرماید: «فرعون، هامان و لشکریان‌شان، خواستند موسی را بکشند اما ندانسته در نگهداریش گام برداشتند»، و در سورة عنکبوت آیه ۳۹ می‌فرماید: «موسی آن معجزات را برای قارون، فرعون و هامان آورد، ولی آنها تکبر ورزیده، حق را قبول نکردند». طبق آیه ۲۴ سورة غافر، موسی به سوی فرعون و هامان و قارون به رسالت فرستاده شد، ولی آنان گفتند: «موسی ساحری دروغ‌پرداز است». پس یکی از مصادیق طاغوت‌های عصر موسی (ع) هامان، وزیر فرعون بود و هنگامی که فرعون ادعای خدایی کرد، نزدیک‌ترین فردی که او را در این ادعای ظالمانه یاری کرد، هامان بود. دو آیه در قرآن جایگاه هامان نزد فرعون را روشن می‌سازد. در سورة قصص آیه ۳۸ آمده که

فرعون خود را معبود آنها خواند و به هامان گفت: «با آجر کاخی بلند بساز تا بر بالایش رفته، از وجود خدای موسی مطلع شوم». او موسی را از دروغگویان می‌دانست و در سورة غافر، آیه ۳۶ ذکر شده که فرعون به هامان گفت: «بنای بلندی بساز تا بالایش روم، تا به وسایلی دست پیدا کنم»؛ معمولاً افراد و شیاطین انسی در ظلم و تعدی، طغیان‌کننده را مشاوره و باری می‌کنند و مانع هدایت افراد می‌شوند. چنان که هامان نسبت به فرعون چنین بود. همکاری هامان با فرعون ستمگر به قدری تنگاتنگ بوده است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «کسی که ستمگر را راهنمایی کند، در جهنم با هامان همنشین خواهد شد (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷: ۱۸۱). وقتی ساحران معجزات موسی(ع) را دیده و ایمان آوردند، هامان به فرعون گفت: «هر کسی را که به موسی ایمان بیاورد، زندانی کن»، و فرعون هم زندانی‌شان کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳: ۸۱). موسی به فرعون وعده داد که اگر ایمان آورد، تا دم مرگ حکومت خواهد کرد. اما هامان مانع وی شد و گفت: «تو خداوندی می‌کنی، می‌خواهی بنده شوی؟ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳: ۹۳)». «... قال هامان ... أنت رب تريد أن تكون مربوباً...». در عصر حاضر نیز طاغوت و شیاطین امروزی، مشاور و حامیانی دارند که با اتکا و حمایت آنها انواع طغیان و تجاوز به حقوق مظلومان را برنامه‌ریزی و عملیاتی می‌کنند. آمریکا، اعوان و هم‌پیمانانش، اسرائیل را از نظر نظامی و تسلیحاتی و ... پشتیبانی می‌کنند. سامری، طاغوت دیگر عصر حضرت موسی بود.

ششم: سامری

سامری یهودی بود که سه بار در قرآن از او یاد شده است؛ در سورة طه آیات ۸۵، ۸۷ و ۹۵؛ سامری وقتی که موسی(ع) برای گرفتن تورات به مدت چهل روز به کوه طور رفته بود، مجسمه‌ای به شکل گوساله‌ای که از آن صدایی شنیده می‌شد ساخت و آن را

خدا معرفی کرد. بعد از بازگشت، موسی(ع) از عمل وی بسیار خشمگین شد و او را به کیفر رساند. بنا به قولی، از معاشرت و تماس با مردم محروم شد و از شهر یا خانواده اخراج شد و به قولی به وسواس مبتلا شد و از هر کس وحشت می کرد و می گریخت و فریاد می زد، که در فرهنگ اصطلاحات قرآنی به این امر اشاره شده است (حریری، ۱۳۸۴: ۱۷۳-۱۷۲). نقل شده که چون گاوپرستی بین مصریان معمول بود، سامری، گوساله را به عنوان بت معرفی کرد و گفت: «این بت خدای شما و خدای موسی است» و موسی(ع) بعد از سوزاندن گوساله، آن را به دریا افکند (خزائلی، ۱۳۸۶: ۳۵۹-۳۵۸).

نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده، نتایج زیر به دست می آیند که طاغوت به معنی از حد گذشتن، تجاوز از اندازه و افراط کردن، غلو در کفر، ظلم و معاصی است. به شیطان، متجاوزان از حدود الهی، خدایان دروغین، گمراه کننده، افراد ظالم، غاصب، بزرگان اهل ضلالت، کاهن، کافر، مشرکان و یهودیان طاغوت گفته می شود.

طاغوت زمان حضرت موسی(ع) برخی بنی اسرائیل بودند که با وجود نعمت های فراوان، کفران نعمت نموده، درخواست معبود جسمانی کردند و نافرمانی خدا و پیامبرش را نمودند. فرعون ادعای خدایی کرد و بنی اسرائیل را آزار داده و پسرانشان را کشته و دخترانشان را به خدمتکاری وامی داشت. او موسی را ساحر خواند و رسالتش را نپذیرفت. هامان، وزیر فرعون نیز او را در ادعای خدایی و آزار و شکنجه ساحران و بنی اسرائیل یاری می کرد. قارون، طاغی دیگر عصر حضرت موسی، راه تعدی و تکبر پیش گرفت؛ او ثروت کلانش را به رخ مردم می کشید. در بدکاری در ردیف فرعون و هامان بود و از اطاعت خدا و رسولش سرکشی نمود و با خانه و همه گنج هایش در زمین فرو رفت. طاغی دیگر عصر حضرت موسی، بلعم بن باعور، اسم اعظم می دانست

و خدا دعایش را مستجاب می‌کرد. قصد کرد حضرت موسی را نفرین کند و اسم اعظم از زبانش برداشته شد. سامری که نام و داستانش در قرآن ذکر شده است، در غیبت حضرت موسی، مجسمه‌ای به شکل گوساله ساخت و مردم را گوساله‌پرست نمود. آنها از جمله طاغوت زمان حضرت موسی بودند. در عصر حاضر نیز آمریکا و اسرائیل و استعمارگران متعدد با ظلم و ستم و تجاوز به حقوق مسلم مردم و جوامع انسانی، به نسل‌کشی، تبعیض و ظلم و کشتار می‌پردازند. آنان ارزش اخلاقی را در ثروت و منافع شخصی می‌دانند. آنان ویژگی‌های مشترک با آن طاغوت‌ها داشته و با گردنکشی راه طغیان و سرکشی در پیش می‌گیرند و درصدد تضعیف جبهه حق‌اند. لذا باید ویژگی‌های طاغوت را با تمسک به قرآن و سنت شناخته و راه مقابله مناسبی برای مبارزه با آنها برگزید.

منابع

- قرآن کریم، تدوین و ترجمه: سیدمحمد رضا صفوی، ترجمه قرآن بر اساس المیزان همراه با توضیحات و نکات تفسیری.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر عربی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ ش)، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ ق)، دعائم الإسلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر، چاپ سوم.
- بروجردی، محمد ابراهیم (۱۳۶۶ ش)، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم.

۱۶۲ دوفصلنامه تفسیر پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

حراملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، محقق / مصحح: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

حریری، محمدیوسف (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، (ویراست ۲)، قم: هجرت، چاپ دوم. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰ ش)، الحیة، ترجمه: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

خزائلی، محمد (۱۳۸۶)، اعلام قرآن، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم. خرازی و سایر هیئت تحریریه موسسه در راه حق، سید محسن (۱۳۸۶)، زندگانی چهارده معصوم عليهم السلام، قم: انتشارات مسجد جمکران، چاپ اول.

دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ ق)، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار العلم - الدار الشامیة، چاپ اول.

راوندی، قطب الدین، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹ ق)، الخرائج و الجرائح، قم: موسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول.

روحي، ابوالفضل (۱۳۸۴)، مقاله «سیمای بنی اسرائیل در قرآن و عهدین»، ادیان، مذاهب و عرفان، نشریه معرفت، شماره ۹۵.

زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، چاپ اول. سیدکریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲ ش)، تفسیر علیین، قم: اسوه، چاپ اول.

شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ ش)، تفسیر اثنی عشری، میقات: تهران، چاپ اول.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه، چاپ دوم. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

_____ (۱۳۷۴ ش)، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم:

دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

تحليل ویژگی‌های طاغوتیان عصر حضرت موسی (ع) / فاطمه شاه‌محمدی ۱۶۳

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، زندگانی چهارده معصوم علیهم‌السلام، ترجمه إعلام الوری، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران: اسلامیه.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۰)، تاریخنامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، به تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما)، چاپ سوم.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، مجمع‌البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
عبدالباقی، محمدفواد (۱۳۶۴)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن‌الکریم، قاهره: مطبعة دارالکتب المصریه.
فعال عراقی، حسین (۱۳۸۶)، یهود در المیزان، تهران: سبحان، چاپ سوم.

الفیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب (بی‌تا)، القاموس‌المحیط، بی‌جا: موسسه الرساله، الطبعة السادسة.
فیومی، احمدبن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح‌المنیر فی غریب‌الشرح‌الکبیر للرافعی، قم: موسسه دارالهجره، چاپ دوم.

قرشی بنابی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۶۳ش)، تفسیر خلاصه منهج‌الصادقین: مسمی به خلاصه المنهج، تهران: اسلامیه، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم: دارالحديث، چاپ اول.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار‌الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم‌السلام)، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی، چاپ اول.

محقق، محمدباقر (۱۳۸۴)، نمونه بینات در شان نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه، ویراست دوم، تهران: اسلامی، چاپ ششم.

مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقيق فی کلمات القرآن‌الکریم، تهران: مرکز‌الکتاب للترجمة و النشر، چاپ اول.

معرفت، محمدهادی (۱۳۸۵)، شبهات و ردود حول القرآن‌الکریم، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، مترجمان: حسن حکیم باشی، علی‌اکبر رستمی، میرزا علیزاده، حسن خرقانی، قم: تمهید، چاپ اول.

۱۶۴ دوفصلنامه تفسیری پژوهی اثری - سال یازدهم، جلد اول، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

مغنیه، محمدجواد، موسی دانش (۱۳۷۸ ش)، ترجمه تفسیر کاشف، قم: موسسه بوستان کتاب
(مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول.

مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
مهدوی راد، محمدعلی، حسین شجاعی (۱۴۰۲ ش)، «بازخوانی معنا و مصداق «طاغوت» در
قرآن کریم با رویکرد تاریخی - ریشه‌شناختی»، مقاله پژوهشی، مطالعات تاریخی قرآن و
حدیث، شماره ۷۶، سال بیست و نهم.

واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.
همایون، محمدهادی (۱۳۹۱)، تاریخ تمدن و ملک مهدوی، تهران: دانشگاه امام صادق: پژوهشگاه
فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ دوم.

References

- The Holy Qur'an, edited and translated by Seyyed Mohammad Reza Safavi, translation of the Quran based on al-Mizan with explanations and interpretative points.
- Abdul Baqi, Muhammad Fuad, 1364, Al-Mu'ajm Al-Mufahras li Alfaz Al-Qur'an Al-Karim, Cairo: Dar Al-Kutub Al-Masriyyah Publication. [In Arabic]
- Al-Dinawari, Abdullah bin Muhammad, 1424 AH, Tafsir Ibn Wahab named al-Wadih fi Tafsir al-Qur'an al-Karim, Beirut: Dar al-Kutub Al-Ilmiya, Muhammad Ali Beydoon's publications, first edition. [In Arabic]
- Al-Fayoumi, Ahmad bin Muhammad, 1414 AH, Al-Misbah al-Munir fi Gharib al-sharh al-kabir li Al-Rafi'i, Qom: Dar al-Hijrah, second edition. [In Arabic]
- Al-Firouzabadi, n.d, Majduddin Muhammed bin Yaqoub, Al-Qamoos al-Muhit, n.p: Al-Risalah Institute, 6th edition. [In Arabic]
- Al-Hurr Al-Amili, Muhammad bin Hasan, 1409 AH, Wasa'il Al-Shia, researcher/ corrector: Aal al-Bayt (AS) Foundation, Qom: Aal al-Bayt (AS) Foundation, first edition. [In Arabic]
- Al-Kashani, Fathullah bin Shukrallah, 1363 A.H., Tafsir Khulasa Manhaj al-Sadiqin: Named Khulasat al-Manhaj, Tehran: Islamiya, first edition. [In Persian]
- Al-Kulaini, Muhammad bin Yaqoub bin Ishaq, 1429 AH, Al-Kafi, Qom: Dar al-Hadith, first edition. [In Arabic]

- Al-Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, 1403 A.H., Bihar al-Anwar al-Jamia li Durar Akhbar A'immah al-At'har (AS), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, first edition. [In Arabic]
- Al-Mughnia, Muhammad Jawad, Tafsir Al-Kashif, 1378, translated by Musa Danesh, Qom: Bostan Kitab Institute (Islamic Propaganda Office Publishing Center of Qom Seminary), first edition. [In Arabic]
- Al-Raghib Al-Isfahani, Hossein bin Muhammad, 1412 AH, Mufradat Alfaz Al-Qur'an, Beirut, Dar al-Ilm – Al-Dar Al-Shamiya, first edition. [In Arabic]
- Al-Rawandi, Qutb al-Din, Said bin Hibatullah, 1409 AH, Al-Khara'ij wa Al-Jara'ih, Qom: Institute of Imam Mahdi (AS), first edition. [In Arabic]
- Al-Tabari, Mohammad Bin Jarir, 1380, Tarikhnameh Tabari, translated by Bal'ami, edited and revised by Mohammad Roshan, Tehran: Soroush (Publications of IR Broadcasting), third edition. [In Arabic]
- Al-Turaihi, Fakhraddin, 1375, Majma' al-Bahrain, Tehran: Mortazavi bookstore, third edition. [In Arabic]
- Al-Wahidi, Ali bin Ahmad, 1415 AH. Al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Beirut: Dar al-Qalam, first edition. [In Arabic]
- Al-Zubaidi, Muhammad Murtada, 1414 AH, Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous, Beirut: Dar al-Fikr, first edition. [In Arabic]
- Azarnoush, Azartash, 1382, Contemporary Arabic Dictionary, Tehran: Ney Publishing House, third edition. [In Arabic]
- Boroujerdi, Mohammad Ebrahim, 1366 AH. Tafsir Jami', Tehran: Maktaba Al-Sadr, 6th edition. [In Persian]
- Faal Iraqi, Hossein, 1386, Jews in Al-Mizan, Tehran: Subhan, third edition. [In Persian]
- Hakimi, Mohammadreza and Hakimi, Mohammad and Hakimi, Ali, 1380, Al-Hayat, translation: Ahmad Aram, Tehran: Islamic Culture Publishing House, first edition. [In Arabic]
- Hariri, Mohammad Youssef, 1384, Dictionary of Quranic Terms, Qom: Hijrat, second edition. [In Persian]
- Homayoun, Mohammad Hadi and Malik Mahdavi, 2013, History of Civilization, Tehran: Imam Sadiq University: Culture, Art and Communication Research Center, second edition. [In Persian]
- Ibn Al-Athir Al-Jazari, Mubarak bin Muhammad, 1367, Al-Nihaya fi Gharib al-Hadith wa al-Athar, Qom: Ismailian Press Institute, first edition. [In Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad Bin Mukarram, 1414 AH, Lisan al-Arab, Beirut: Dar al-Fikr for printing, publishing and distributing - Dar Al-Sadir, third edition. [In Arabic]
- Ibn-Hayoun, Nu'man bin Muhammad Al-Maghribi, 1385 AH, Da'aim al-Islam, Qom: Al-Bayt (AS) Foundation, second edition. [In Arabic]
- Kharrazi and other editorial board of the Institute on the Way of Right, Seyyed Mohsen, Autumn 86, Life of Fourteen Infallibles (AS), Qom: Jamkaran Mosque Publications, first edition. [In Persian]

- Khaza'ili, Mohammad, 1386, A'lam (Proper nouns) in the Qur'an, Tehran: Amir Kabir Publishing House, 7th edition. [In Arabic]
- Mahdavidarad, Mohammad Ali, Hossein Shojaei, Autumn 2023, "Rereading the meaning and example of "Taghut" in the Holy Qur'an with a historical-root-cognitive approach", research article, Historical Studies of the Qur'an and Hadith, No 76, Issue: 29th. [In Persian]
- Marifat, Mohammad Hadi, 1385, Doubts and Answers about the Holy Qur'an, Criticism of Doubts about the Holy Qur'an, translators: Hasan Hakim Bashi, Ali Akbar Rostami, Mirza Alizadeh, Hasan Kharaqani, Qom: Tamhid, first edition. [In Arabic]
- Mohaghegh, Mohammad Baqer, 1389, "Nomouneh Bayyenat dar Shan Nozoul Ayat" according to Sheikh Tusi and other Shiite and Sunni commentators, second edition, Tehran: Islamic, 6th edition. [In Persian]
- Muqatil bin Suleiman, 1423 AH, Tafsir Muqatil bin Suleiman, Beirut: Dar Ihiya al-Turath al-Arabi, first edition. [In Arabic]
- Mustafawi, Hasan, 1402 AH, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Qur'an al-Karim, Tehran: Markez al-Kitab for Translation and Publication, first edition. [In Arabic]
- Qurashi Bonabi, Ali Akbar, 1412 A.H., Qamoos Quran, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya, 6th edition. [In Persian]
- Rouhi, Abulfazl, October 2005, The article titled: "The Image of the Children of Israil in the Qur'an and the Two Testaments", Religions, Denominations and Mysticism, Marafet Magazine, No. 95. [In Persian]
- Sadouq, Muhammad bin Ali bin Babawayh, 1395 A.H., Kamal al-Din and Tammam al-Ni'mah, Tehran: Islamiya, second edition. [In Arabic]
- Seyyed Karimi Hosseini, Abbas, 1382 AH, Tafsir Iliyyin, Qom: Osweh, first edition. [In Persian]
- Shah Abdul-Azimi, Hussein, 1363 AH, Tafsir Ithna Ashari, Miqat: Tehran, first edition. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, 1372, Life of Fourteen Infallibles (AS), edition of I'lam al-Wara, translated by Azizullah Atarodi, Tehran: Islamiya. [In Arabic]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, 1374, translation of Tafsir al-Mizan, by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Teachers Association, 5th edition. [In Arabic]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, 1390 AH. Q. Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Al-A'jami Publishing House. [In Arabic]